

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

مفسد فی الارض

راکت زن. اندیشه که چون گزدم و مار است	بد (حکمت یار) است
(گلبدین) (بد کیش) ، که رویش پُر خار است	بد (حکمت یار) است
بدکاره ، جنایتگر و جنگ آفر و جانی	آن (هیتلر) ثانی
دایم به خر. جهل و جهالت ، چپه سوار است	بد (حکمت یار) است
نه آب به رو مانده و ، نه روی به رخسار	بی ننگ و بی عار
جیب شرف و شخصیتش ، پاره و غار است	بد (حکمت یار) است
نه شرم و حیا دارد و ، نه عزت و حرمت	نه غیرت و همت
کارش همه با راکت و خمپاره عیار است	بد (حکمت یار) است
گه نوکر. انگلیس و گهی چاکر. اعراب	با امپول. تیزاب
بر صورت. خوبان. وطن، پاش و فرار است	بد (حکمت یار) است

مادروطن از جور و جفایش شده ویران	با مکر پکستان
دال خوردنش از دیگ اجانب مزه دار است	بد (حکمت یار) است
تحقیر و تمسخر شدن ملت افغان	با فتنه ایران
نامردی بدرهبر بد قول و قرار است	بد (حکمت یار) است
آن حضرت (صبغت) که مجدد ز شرارت	چون تخم حقارت
از نطفه اعراب چتلکار ، شمار است	بد (حکمت یار) است
(گیلانی) و (ربانی) و (سیاف) و (مزاری)	یعنی که مداری
باشادی و جمبوری خود ، تار و متار است	بد (حکمت یار) است
(قانونی) و (مسعود) و (فهیم) ، (خرم) و (اتمر)	چون گرگ و چو اهرم
در لاشخوری هر یکی مدهوش و خمار است	بد (حکمت یار) است
بنگر به (خلیلی) و (محقق) ، دو کلوله	هر دو ضد گوله
از ماهیچه پُر ، موتر کادیل ، قطار است	بد (حکمت یار) است
(دوستم) که به اسم نوی گردیده مسما	ویسکی اروپا
این تحفه غربی ، دم راهش به نثار است	بد (حکمت یار) است
پوشیدن یک جوهره دریشی ، چل هزاری	احساس نداری
(عبدالله) مگر ، ماشین پوند است و دلار است	بد (حکمت یار) است
هر روز ، یکی فلم نوی ، میشوه آغاز	با عشوه و باناز
(کرزی) که هنرپیشه فلم چپه کار است	بد (حکمت یار) است
(اوبامه) که دایرکتر ، فلمهای تراژید	از ما خو ، نپرسید
صیاد شد و ملت ما ، صید و شکار است	بد (حکمت یار) است

خواهد که پزد آتش ، ازین ملت رنجور ناشته، کله پاچه ، درون ، دیگ بخار است	بر کرسی جمهور بد (حکمت یار) است
این مصرف گزاف ، به کاندیدی جمهور دختر ، چل و یک دانه و ، بدماش هزار است	فلمیست به دستور بد (حکمت یار) است
با (طالبه) ، دیدم که نشسته ، یکی (طالب) از دین و سیاست کچری ، پُر به طغار است	برنامه جالب بد (حکمت یار) است
گر مفسد فی الارض ، شود ناطق دینی مسجد پس از آن ، مرکز و میدان قمار است	جز فسق ، نبینی بد (حکمت یار) است
جامع کمالات کله خالی بدکار مُشت ادبی خورده ، که دندان ندار است	از احمد نامدار بد (حکمت یار) است
گاهی مگس دوغ و گهی دوغ و گهی مشک بر ساز اجانب ، اتن و رقص و شعار است	گه کشک و گهی یشک بد (حکمت یار) است
« نعمت » به صریر قلم خویش بنازد هرچند ، که عفت ز کلامش به فرار است	بر هرسو بتازد بد (حکمت یار) است

(21 جولای 2009)